

معرفی و بررسی نسخه‌ای ناشناخته و بی نظیر از تاریخ نگارستان احمد غفاری

سمیرا رستمی*

جمشید مظاهری**، عطاء محمد رادمش***

چکیده

در مقاله حاضر نسخه‌ای نفیس از تاریخ نگارستان، اثر قاضی احمد بن محمد غفاری، از نویسندگان معروف قرن دهم هجری، بررسی شده است. این نسخه به شماره ۵۸۳ در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. در این پژوهش، برای توضیح ویژگی‌های نسخه مذکور، آن را با پنج نسخه خطی و یک چاپ سنگی این اثر مقایسه کرده‌ایم. این نسخه‌ها عبارت‌اند از: نسخ مورخ ۹۹۳ ق، ۱۰۰۳ ق، و ۱۰۱۵ ق محفوظ در کتابخانه ملی ایران، نسخه مورخ ۱۰۱۰ ق محفوظ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی، نسخه مورخ ۱۰۰۸ ق محفوظ در کتابخانه دانشگاه پرینستون امریکا، و چاپ سنگی مورخ ۱۲۷۵ ق در هند. بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد از این اثر تحریرهای متعددی موجود است و شباهت نسخه شماره ۵۸۳ کاخ گلستان از جهاتی با نسخ مورخ ۹۹۳ ق، ۱۰۰۳ ق، و ۱۰۱۵ ق محفوظ در کتابخانه ملی ایران و نسخه مورخ ۱۰۱۰ ق محفوظ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی بیش از نسخه مورخ ۱۰۰۸ ق کتابخانه دانشگاه پرینستون و چاپ سنگی مورخ ۱۲۷۵ ق است. در این پژوهش، همچنین، به بررسی ویژگی‌های سبکی و زیبایی‌های ادبی این اثر پرداخته شده است.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد (نویسنده مسئول)

Srostami52@gmail.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان

*** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹

کلیدواژه‌ها: احمد غفاری، تاریخ نگارستان، زیبایی‌های ادبی، نسخه خطی، ویژگی‌های سبکی.

۱. مقدمه

تاریخ نگارستان اثری تاریخی - ادبی است از قاضی احمد بن محمد غفاری، از نویسندگان مشهور قرن دهم هجری. نسب قاضی احمد به امام نجم‌الدین عبدالغفار قزوینی، از فقهای معروف شافعی و صاحب کتاب *الحاوی الصغیر*، می‌رسد و علت اشتها وی به «غفاری» از این جاست. او پسر قاضی محمد، فاضل و شاعری، است که به «وصالی» تخلص می‌کرده و با بزرگان دولت شاه‌اسماعیل صفوی مراد داشته است (صفا، ۱۳۷۰: ۵/۱۶۱۲). صاحب تذکره هفت اقلیم درباره قاضی احمد و آثار او می‌گوید:

قاضی احمد نیز فاضل و مورخ و خوش طبیعت بوده و کتاب نگارستان، که در این عصر و زمان چنان مجموعه‌ای از خزانه خیال به پیشگاه بیان نیامده، جمع کرده اوست و ایضاً جهان‌آرا (رازی، ۱۳۷۸: ۱۳۳۸).

تاریخ تألیف تاریخ نگارستان، چنان‌که مؤلف در پایان کتاب ذکر می‌کند، سال ۹۵۹ هجری است. این اثر، که به نام شاه‌طهماسب اول صفوی نوشته شده است، حکایات و وقایع تاریخی بسیاری، از زمان پیامبر اکرم (ص) تا آغاز قرن دهم هجری، دربردارد (صفا، ۱۳۷۰: ۵/۱۶۱۴). مؤلف غرض از تدوین تاریخ و سیر را «استنباط غرایب حالات و استخراج نوادر اتفاقات» می‌داند (غفاری، بی‌تا: ۲). نسخ متعددی از تاریخ نگارستان با تحریرهای متفاوتی از این اثر در دست است. هدف این پژوهش بررسی نسخه‌ای نفیس از این اثر ارزشمند است.

۲. بحث (متن)

از تاریخ نگارستان، یکی از آثار مهم دوره صفوی، نسخ متعددی موجود است. تعدد نسخ این اثر همانا دلیلی است بر ارزشمند بودن این اثر. در تاریخ ادبیات صفا آمده است: «به سال ۱۲۴۵ هـ ق در بمبئی و بعد در سال ۱۲۷۵ هـ ق در کلکته چاپ سنگی شده و از آن نسخه‌های خطی در ایران و انیران موجود است» (۱۳۷۰: ۵/۱۶۱۴). تاریخ نگارستان با تصحیح، مقدمه، و تزییل مرتضی مدرس گیلانی در ۱۴۰۴ ق در تهران به چاپ سربی رسید. مصحح، چنان‌که خود در مقدمه اثر می‌گوید، به نسخ خطی تاریخ نگارستان دسترسی

نداشته (غفاری، ۱۴۰۴: ۱۸) و چاپ سنگی مورخ ۱۲۷۵ ق را اساس کار خود قرار داده است (همان: ۴). در مقدمه مصحح آمده است:

مؤلف تاریخ نگارستان عادت به آوردن کلمات و الفاظ غیرمأنوس داشته که موجب تطویل کلام بود و چون غرض از تصحیح و چاپ کردن این تاریخ برای آن بود که مردم بتوانند بیشتر استفاده کنند، لذا از کلمات زاید و لغات بارد، آنچه به نظر می‌رسید، بدون این‌که هیچ گونه خدشه‌ای به اصالت نوشتارها وارد شود، صرف نظر شد (همان: ۱۶).

از آن‌جا که تاریخ نگارستان اثری تاریخی - ادبی است و کلمات و عبارات اصلی متن، به لحاظ ادبی، ارزش و اهمیت دارد، نویسنده اول مقاله در حال تصحیح این اثر بر اساس چندین نسخ خطی است. در این مقاله به معرفی نسخه‌ای نفیس از این اثر، که از مراجع مصحح بوده است، پرداخته می‌شود. برای توضیح ویژگی‌های نسخه مورد نظر - نسخه شماره ۵۸۳ کاخ گلستان - آن را با پنج نسخه خطی و یک چاپ سنگی این اثر با مشخصات ذیل مقایسه کرده‌ایم:

- نسخه مورخ ۹۹۳ ق، به شماره ۱۷۵۲۱-۵، محفوظ در کتابخانه ملی ایران؛
- نسخه مورخ ۱۰۰۳ ق، به شماره ۳۰۷۶/ف، محفوظ در کتابخانه ملی ایران؛
- نسخه مورخ ۱۰۰۸ ق، به شماره MSS152، محفوظ در کتابخانه دانشگاه پرینستون امریکا؛
- نسخه مورخ ۱۰۱۰ ق، به شماره ۸۵۲۹، محفوظ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی؛
- نسخه مورخ ۱۰۱۵ ق، به شماره ۲۵۵۲/ف، محفوظ در کتابخانه ملی ایران؛
- چاپ سنگی ۱۲۷۵ ق، کلکته هند.

۱.۲ معرفی نسخه شماره ۵۸۳ کتابخانه کاخ گلستان

نسخه‌ای از تاریخ نگارستان، تألیف قاضی احمد بن محمد غفاری، به شماره ۵۸۳، در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. مشخصات این نسخه چنین است: قطع وزیری، ۲۷×۲۱، خط نستعلیق، کاغذ اصفهانی، جلد تیماج آبی فرنگی، کار صحاف‌باشی. این نسخه شامل ۲۸۸ صفحه نوزده سطری است و با ابیات ذیل آغاز می‌شود:

ای طراز نده بهارستان	وی نگارنده نگارستان
از کرم تازه کن بهارم را	رقم صدق ده نگارم را
دور دار از عناد حسادش	به نبی و وصی و اولادش

نسخه مذکور چنین پایان می‌یابد:

در این روضه که از فرط نوادر شود هر دم نگاری تازه لامع
پی نام و نشانش فکر کردم خرد گفتا که هست این نکته جامع
چو در واقع نگارستان چین است از آن آمد نگارستان واقع^۱

در ذیل این ابیات عدد ۹۵۹ دیده می‌شود.

در این نسخه، ترقیمه کاتب، که در آن نام و نشانی از او و یا تاریخ کتابت ذکر شده باشد، موجود نیست، اما در حاشیه پایین صفحه عباراتی درباره مؤلف، احمد بن محمد غفاری، نوشته شده است که امضای میرزا مخدوم شریفی را دارد و در آن اشاره شده که مؤلف از اولاد عبدالغفار، صاحب حاوی فقه شافعی، است و در ۹۷۴ ق در بندر دابل وفات یافته است.^۲ البته، عبارات مذکور بیش‌تر در مذمت مؤلف است و میرزا مخدوم، که سنی‌مذهب است، مؤلف را در غیر علم تاریخ جاهل می‌داند و او را به سبب پیروی نکردن از مذهب پدران سرزنش می‌کند و می‌گوید: «من از صحبت او بدین جهت همیشه متنفر بودم و او از تنفر من متحیر». اما مخدوم در همین عبارات سرزنش‌بار مملو از تعصبات مذهبی نیز عالم تاریخ بودن مؤلف را تأیید می‌کند.

در آخرین صفحه نسخه، که پس از متن اصلی است، مطالب درخور توجهی دیده می‌شود. در این صفحه ابیاتی به چشم می‌خورد: یک غزل، دو رباعی، و یک تکبیت. غزل تخلص «عادلی» دارد و ذیل رباعیات نیز «فقیر حقیر ع ا د ل ی» نوشته شده است. در تاریخ عالم‌آرای عباسی آمده است: «احکام مهم‌تر را شخص شاه‌اسماعیل [دوم] با ذکر عبارت عربی 'هو العادل' امضا می‌کرد. شاه‌اسماعیل در اشعار خود نیز 'عادل' تخلص می‌کرد» (هیئتس، ۱۳۷۱: ۱۱۱ به نقل از تاریخ عالم‌آرای عباسی). در پایین صفحه نیز عباراتی با امضای میرزا مخدوم دیده می‌شود که روشن می‌سازد این نسخه در اختیار شاه‌اسماعیل دوم بوده است. میرزا مخدوم می‌نویسد:

این کتاب از شاه‌اسماعیل ثانی سنی، علیه‌الرحمه، بود و همیشه مطالعه می‌کرد. گاهی که به خدمت او به خلوت می‌نشستم و صحبت می‌داشتیم و او به حرم متوجه شده می‌خواست که بروم، به من می‌داد و می‌فرمود که «تا آمدن ما دل‌گیر نشوید». من مطالعه می‌کردم و بر گوشه آن یک بار از غایت بی‌تابی و اعتماد بر لطف او چیزی نوشتم و گذاشتم بعد از آن که رسید بر من از قزلباش مذهب‌تراش آنچه رسید و پناه به درگاه فخر قیصر و خاقان افتخار آل عثمان سلطان مرادخان، خلدالله سلطانه‌الی انقراض الزمان، آورد. از جمله موالی شده

قضاء آمد و فتوای دیار بکر رجوع شد. بازرگانی بعضی کتب فروختنی به نظرم آورد؛ این کتاب را شناخته، به بهای بسیار خریدم و تعویذ دل سوخته ساختم، چرا که در آخر آن خط مشک‌بار آن یار وفادار بود و هر طرف آن یاد از هزار خوشی و درد می‌داد استیناس می‌نمود ... طرابلس ...^۳ که در جواب در کنار نوشته بود: «اگر نوشته و جواب را خواهی از این ورق آخر قهقری ۱۴ بشمار و در ورق ۱۵ آن‌ها را به نظر آر.»^۴

حرر فی یوم الجمعة ۱۱ جمادی الاخر ۹۸۹ بمرحلة لاتکون بینها و بین حلب اکثر من اربعة فراسخ عازما بان ندخل غدا البلد المزبور.

در این صفحه، همچنین، مخدوم عباراتی به زبان ترکی نوشته که در آن از شاه‌اسماعیل ثانی یاد کرده است و تاریخ ۹۸۴ ق را دارد.

از آن‌جا که اطلاعاتی درباره شاه‌اسماعیل دوم و همچنین میرزا مخدوم شریفی، به عنوان دو تن از مالکان نسخه، می‌تواند تا حدودی نکاتی را درباره نسخه مذکور روشن سازد، به توضیحاتی در خصوص این دو نفر می‌پردازیم.

در *فارسنامه ناصری* درباره تاریخ جلوس شاه‌اسماعیل دوم بر تخت پادشاهی آمده است:

روز ۲۷ ماه جمادی‌الاولی همین سال [۹۸۴ ق] در شهر قزوین بر تخت سلطنت قرار گرفت و مولانا محتشم کاشی ۳۲ بیت به رشته نظم کشیده که هر مصرعی تاریخ جلوس اوست (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۴۱۳).

و درباره مدت حکومت و مرگ او می‌گوید:

در شب سیزدهم ماه مبارک همین سال [۹۸۵ ق] ... درگذشت ... ایام عمر شاه‌اسماعیل ثانی چهل‌وننه سال است و مدت سلطنت او یک سال و نیم و بیست روز بود (همان: ۴۱۶).

با توجه به مطالب فوق و یادآوری این مطلب که شاه‌اسماعیل دوم این نسخه را در دست داشته است، کتابت نسخه نمی‌تواند بعد از ۹۸۵ ق صورت گرفته باشد.

اما، میرزا مخدوم شریفی از نوادگان میر سید شریف جرجانی است. در *عالم‌آرای عباسی* درباره او آمده است:

مفسر و محدث خوب و بسیار خوش‌معاوره بود. وعظ را خوب می‌گفت. ... جمعیتی عظیم در پای منبر وعظ او می‌شد. چون تهمت‌آلود تسنن بود، از حضرت شاه جنت‌بارگاه زیاده توجه و التفاتی نمی‌یافت ... در زمان اسماعیل میرزا [بن شاه‌طهماسب و جانشین او در سلطنت] اعتبار تمام یافته، نصف صدارت به او تفویض یافت. اما به جهت غلوی که در مذهب تسنن داشت و می‌نمود و بی‌ملاحظه و محابا پرده از روی کار برداشته بود معزول گردید (قزوینی، ۱۳۳۲: ۵۷، به نقل از *عالم‌آرای عباسی*).

مرحوم قزوینی در این باره می‌گوید: میرزا مخدوم، کمی بعد از جلوس پادشاه، به وزارت رسید و در اوایل یا اواسط سال بعد و لابد یکی دو سه ماه قبل از وفات پادشاه معزول و محبوس شد و یکی دو روز بعد از وفات او جزء سایر محبوسان آزاد شد و به‌زودی در همان اواسط یا اواخر ۹۸۵ ق از ایران خارج شد و به بغداد و اسلامبول هجرت گزید (قزوینی، ۱۳۳۲: ۶۲-۶۳).

بعد از آن‌که به مملکت عثمانی پناهنده شد، ابتدا به وان و سپس از آن‌جا به استانبول رفت و به توسط درویش پاشا، حاکم دیار بکر، و سعدالدین معلم سلطان مراد [ثالث] منصب قاضی‌القضاتی دیار بکر از طرف سلطان به او محول گردید. پس از آن‌که وی دو سال دیگر به شغل قضای طرابلس شام مشغول بود به دربار استانبول احضار گردید ... قضای مکه به وی محول گردید. پس از سه سال از آن شغل معزول و باز به اسلامبول آمد ... در سال ۹۹۵ در مکه او را اجل محتوم فرارسید (همان: ۶۴، به نقل از تاریخ ادبیات عرب بروکلن).

گفتنی است مرحوم قزوینی در مقاله خود در توضیح عباراتی از تاریخ ادبیات عرب بروکلن، که میرزا مخدوم را «اشرف معین‌الدین میرزا مخدوم حسنی شیرازی» نامیده است، می‌گوید:

کذا و من در هیچ جای دیگر نه لغت «اشرف» و نه لقب «معین‌الدین» را برای صاحب ترجمه تا کنون ندیده‌ام ... فقط در کشف‌الطنون در عنوان «ذخیره العقبی» گوید ما نصح «ذخیره العقبی فی ذم الدنیا» تسع مقالات لمعین‌الدین بن اشرف المعروف بمیرزا مخدوم المتوفی سنه ۹۸۸ الفه للسلطان مرادخان و اهداه الیه اوله الحمد لله حمد من استحال ان یاتی بثناء یلیق بغیره. و قطعاً بروکلن نعت «معین‌الدین» و «اشرف» را از این عبارت حاجی خلیفه برداشته است، ولی سهو کرده است که «اشرف» را نعت خود میرزا مخدوم فرض کرده، در صورتی‌که عبارت حاجی خلیفه کماتری صریح است که «اشرف» نعت پدر اوست، و دیگر این‌که از تاریخ وفات او، که در سنه ۹۸۸ ذکر می‌کند (بر فرض صحت نسخه)، برمی‌آید که مراد آن میرزا مخدوم مقصود ما صاحب نواقض علی الروافض نیست (۱۳۳۲: ۶۳).

اما در نسخه مورد بحث ما، هم در امضای میرزا مخدوم در صفحه ۲۶۳ نسخه عبارت «مسمی به اشرف» آمده و هم شاه‌اسماعیل دوم در همان صفحه او را «اشرف‌الزمان» خطاب کرده است.

در صفحه آخر نسخه، علاوه بر مطالبی که درباره شاه‌اسماعیل دوم و میرزا مخدوم آمده است، مطالب دیگری نیز به شرح ذیل دیده می‌شود که برخی از دیگر مالکان این نسخه را نشان می‌دهد:

هوالله تعالی، خط شاه اسماعیل مرحوم پاره‌ای پُر بد است و بد نوشته‌اند. انشاءالله خداوند عالم ایشان را بیامزد. من هم خوب نمی‌نویسم، لازم نیست دیگران تکذیب خط مرا بکنند. من خود معترفم.

ناصرالدین شاه قاجار، ۱۲۸۳ اوایل توشقان‌نیل، در دارالخلافة طهران

همچنین:

این کتاب را امروز، که روز چهارشنبه بیست شهر ذی‌قعدة الحرام است، به بازدید مجتهدالزمانی آقا سید صادق^۵، که از زیارت مشهد مقدس مراجعت کرده بودند، رفته، از آن‌جا به خانه محسن میرزای امیرآخور، که به ناخوشی نقرس چندی است مبتلاست، رفتم. او پیشکش حضور ما کرد با بعضی تحف دیگر، الحمد لله علی کل حال.

در این سطور، علاوه بر نام ناصرالدین شاه، که معرف خوانندگان است، نام محسن میرزای امیرآخور نیز آمده است. محسن میرزا پسر بزرگ عبدالله میرزا متخلص به «دارا»، پسر یازدهم فتحعلی شاه قاجار، است. وی نزد ناصرالدین شاه بسیار مقرب بوده و در دوره سلطنت او دو بار عنوان «رئیس اداره اصطلب خاصه مبارکه» را داشته و امیرآخور بوده است. او در ۱۲۹۲ قمری وفات یافت (بامداد، ۱۳۷۱: ۴/ ۱۸۰؛ همان: ۱۸۹/۵-۱۹۰).

۲.۲ حواشی صفحات نسخه

یکی از نکاتی که در این نسخه جلب توجه می‌کند حواشی صفحات است. در حاشیه صفحه ۱۲۴ نوشته‌هایی دیده می‌شود که عبارات کوتاه دو سه کلمه‌ای تا مطالب طولانی و مفصل را شامل می‌شود.

در برخی صفحات چند مطلب جداگانه و حواشی متعدد آمده است. به طور کلی، تعداد حواشی در این نسخه ۱۸۸ مورد است. این حواشی به دو دسته تقسیم می‌شود: دسته اول، که تعداد آن ۱۴۲ مورد است، مطالبی را دربر می‌گیرد که جزء متن اصلی است. این حواشی، که معمولاً طولانی است، با خطی یکسان - که با خط اصلی نسخه مغایرت دارد - نوشته شده است و در پایان آن‌ها علامت «صح» دیده می‌شود. محل این عبارات در متن اصلی معمولاً با نشانه ۳ مشخص شده است. ذکر این نکته لازم است که در مقایسه این نسخه با برخی نسخ دیگر تاریخ نگارستان اصالت این گونه حواشی تأیید شد. دسته دوم حواشی، که تعداد آن ۴۶ مورد است، با خط‌های متفاوتی نوشته شده است. این حواشی، از جهت محتوا، به دو گروه تقسیم می‌شود: الف) حواشی‌ای که اشارات تاریخی را دربر دارد؛

ب) حواشی‌ای که اعتقادات مذهبی را نشان می‌دهد. گروه اول شامل ۳۷ مورد است که ۳۴ عدد از آن‌ها بسیار کوتاه‌اند و، در واقع، عناوین و یا اسامی تاریخی است که در کنار سطرهایی که در متن به آن‌ها پرداخته شده نوشته شده است و شامل عنوان سلسله، نام افراد، و ذکر برخی وقایع می‌شود. این حواشی غالباً خط یکسانی دارند. اما گروه دوم، که بیانگر اعتقادات مذهبی است، هشت مورد است. از آن‌جا که مؤلف تاریخ نگارستان شیعی مذهب است و اشارات شیعی در این اثر، به‌ویژه در آغاز آن، بسیار به چشم می‌خورد، برخی از مالکان یا خوانندگان نسخه با اعتقادات شیعی و سنی، در حواشی نسخه مطالبی نوشته و دربارهٔ اثر و نویسندهٔ آن اظهارنظر کرده‌اند. این مطالب معمولاً در پاسخ و ردّ یکدیگر آمده است. شش مورد از این حواشی را فردی سنی مذهب و دو مورد را (در پاسخ) خواننده‌ای شیعی مذهب نوشته است.

حواشی نسخهٔ مذکور، به‌جز مواردی که در ذیل می‌آید، بدون نام نویسنده است. در کنار یکی از حواشی، که نشان‌دهندهٔ تمایلات مذهبی است و حروف «ع ا د ل ی» را در پایان دارد، حاشیهٔ دیگری اضافه شده و نویسنده را شاه‌اسماعیل ثانی صفوی متخلص به «عادل» معرفی می‌کند. در چهار مورد دیگر نیز نام نویسنده در زیر مطلب دیده می‌شود. این حواشی را، که یکی تاریخی و سه‌دیگر نشان‌دهندهٔ اعتقادات مذهبی است، میرزا مخدوم شریفی نوشته است.

۳.۲ دیگر مشخصات ظاهری نسخه

از دیگر مشخصات ظاهری این نسخه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- در رکابۀ هر برگ نخستین کلمهٔ برگ بعد نوشته شده است؛

- آیات قرآن و همچنین آغاز هر مطلب به گونه‌ای نوشته شده که از سایر عبارات

متمایز می‌شود؛

- در این نسخه مواردی که عبارات به اشتباه مقدم و مؤخر نوشته شده با علامت «خ» و

«م» تصحیح شده است. «خ» در بالای اولین کلمهٔ بخش مؤخر و «م» در بالای اولین کلمهٔ

بخش مقدم نوشته شده است؛

- کلمات، در موارد انگشت‌شمار، به صورت مشکول آمده است و، از آن‌جا که

نمونه‌های آن بسیار کم است، نمی‌توان با قاطعیت آن را از جانب کاتب نسخه دانست.

۴.۲ برخی موارد اختلاف نسخ تاریخ نگارستان

– یکی از موارد اختلاف نسخ تاریخ نگارستان، که درخور توجه است، تفاوت در دیباچه اثر است. نتایج بررسی شش نسخه خطی و یک چاپ سنگی این اثر نشان می‌دهد احتمالاً تغییراتی در دیباچه اثر صورت گرفته است که می‌تواند از سوی مؤلف یا کاتبان نسخه‌ها باشد. حدود یک صفحه از مطالبی که در دیباچه در مدح ممدوح آمده است در نسخ مورخ ۹۹۳ ق و ۱۰۰۳ ق محفوظ در کتابخانه ملی و ۱۰۱۰ ق محفوظ در کتابخانه مرعشی با خط اصلی کاتب در ترتیب سطور اصلی دیده می‌شود. در نسخه مورخ ۱۰۱۵ ق محفوظ در کتابخانه ملی، با خطی متفاوت، در حاشیه صفحه آمده است و نسخه مورخ ۱۰۰۸ ق محفوظ در کتابخانه دانشگاه پرینستون و چاپ سنگی مورخ ۱۲۷۵ ق به کلی این یک صفحه را ندارند. در این یک صفحه، که در مدح ممدوح آمده است، اشارات شیعی بسیار زیادی نیز به چشم می‌خورد. عبارات مذکور در نسخه مورد بحث ما با خطی متفاوت با خط اصلی نوشته شده است که بخشی از آن با خطی ریزتر از خط متن، در محل سطور اصلی صفحه، جای گرفته است و بخشی دیگر، با همان خط، در حاشیه صفحه آمده است و در پایان علامت «صح» دارد.

عبارات مذکور با «عرش اشتباهی سازد که ایوان کیوان با وجود علو مکان...» آغاز می‌شود و با «... به یمن دولت ابدی الاتصال ازلی الاشتعال» پایان می‌یابد.

– از دیگر موارد اختلاف در میان نسخ تاریخ نگارستان تعداد منابعی است که مؤلف در مقدمه اثر از آن‌ها نام می‌برد. در نسخه مورد بحث منابع به شرح ذیل ذکر شده است:

آنچه مسطور است از کتب معتبره این فن چون تاریخ طبری محمد بن جریر، تاریخ فتوح احمد بن اعثم کوفی، مروج الذهب مسعودی، تاریخ منتظم ابن جوزی، تاریخ آل عباس، کشف الغممه علی بن عیسی اربلی، جامع الحکایات نورالدین محمد عوفی، تاریخ مرآت الجنان عبدالله یافعی یمنی، جامع التواریخ خواجه رشید وزیر، تاریخ گزیده و نزهة القلوب حمدالله مستوفی، وصایای خواجه نظام الملک وزیر، تاریخ قوام الملکی قاضی قوام الملک ابرقوهی، طبقات ناصری منهج بن سراج جوزجانی، تاریخ و صاف عبدالله بن فضل الله شیرازی، تاریخ فخرالدین داود فناکتی، مجمع النوادر نظامی عروضی، ظفرنامه شرف الدین علی یزدی، تاریخ جهانگشای عظاملک جوینی، مجموعه تألیف رومی، مطلع السعدین عبدالرزاق سمرقندی، روضة الصفای محمد بن خاوندشاه بلخی مشهور به «امیرخواند»، حبیب السیر غیاث الدین بن همادالدین مشهور به «خواندمیر»، تذکره الشعرا دولت شاه بن بختیشاه، مجالس النهایس میرعلیشیر، و غیرهم مستخرج و مستنبط است.

- از دیگر موارد اختلاف تعداد حکایت‌ها در نسخه‌های مختلف است. از این جهت، نسخه مورخ ۱۰۰۸ ق محفوظ در کتابخانه دانشگاه پرینستون^۱ و چاپ سنگی در یک گروه و سایر نسخ در گروه دیگر جای می‌گیرند. البته، این بدان معنا نیست که نسخه‌های یک گروه تعداد حکایت‌هایشان دقیقاً یکسان است، بلکه فقط به این معنی است که شباهت آن‌ها با یکدیگر بیش‌تر است. نسخه مورخ ۱۰۰۸ ق محفوظ در کتابخانه دانشگاه پرینستون و چاپ سنگی بررسی شده حکایت‌هایی بیش‌تر از سایر نسخ دارند. نسخه مورد بحث ما ۴۰۲ حکایت دارد. موارد مورد نظر در نسخه با عناوینی مانند «حکایت»، «تمثیل»، «روایت»، «ایضاً»، «و منها»، «و دیگر»، «و من البدایع»، «و من الوقایع»، «و من الاتفاقات»، و عناوینی از این دست آمده است.

- یکی دیگر از مواردی که در نسخ مختلف متفاوت است تعداد اشعاری است که نام شاعر آن ذکر شده است. در نسخه ۵۸۳، ۳۵۴ شعر با نام شاعر و ۱۹۵ شعر بدون نام شاعر آمده است.

۵.۲ کاتب و اشارات شیعی

پیش‌تر گفتیم که قاضی احمد غفاری شیعی مذهب بوده است. در تاریخ نگارستان، به‌ویژه در اوایل آن، اشارات شیعی زیادی دیده می‌شود. شیوه نگارش این گونه اشارات در نسخه مذکور می‌تواند نشان‌دهنده تمایلات شیعی کاتب نیز باشد و یا حداقل می‌توان نتیجه گرفت که کاتب در اشارات شیعی مؤلف دخل و تصرفی نکرده است. گفتنی است در صفحاتی از نسخه خوانندگان بعدی برخی از عبارات، عناوین و القاب و یا جملات معترضه‌ای را که در بردارنده مضامین شیعی است پاک و مخدوش کرده و تغییر داده‌اند. اما مقایسه این نسخه با نسخ دیگر و همچنین عباراتی که خوانندگان غیرشیعی در حاشیه این صفحات نوشته‌اند مضمون و یا عین جملات بخش‌های پاک‌شده را روشن می‌سازد، مثلاً در بخشی که به امامت حضرت علی (ع) اشاره شده است (غفاری، بی‌تا: ۱۱)، پس از کلمات «ایام امامتش» مدت امامت پاک شده و به جای آن «چهار سال و نه ماه» نوشته شده است. حال آن‌که در سایر نسخ و چاپ سنگی دیده‌شده مدت امامت «بیست و نه سال و کسری» آمده است و، از آن‌جا که عبارت به این شکل ادامه می‌یابد که «و در ایام خلافت سه نوبت با اهل بغی و شقاق مقاتله فرموده‌اند...»، مشخص می‌شود که مؤلف میان امامت و خلافت فرق گذاشته است و این عبارت «چهار سال و نه ماه» نبوده است. در نسخه مورد بحث ما، در حاشیه

صفحاتی که درباره امامت حضرت علی (ع) است، مطالبی با خطی متفاوت از متن، درباره ابوبکر، عمر، عثمان، و مدت خلافتشان نوشته شده است.

همچنین، در چند صفحه بعد (همان: ۱۶)، عبارت «علیهما السخط و النیران» به صورت مخدوش به عبارت «علیهما مایستحق» تغییر یافته است - که با دقت در کلمات و مقایسه با سایر نسخ اصل عبارت و امانت‌داری کاتب روشن می‌شود.

با توجه به مطالبی که پیش از این درباره برخی از مالکان و حاشیه‌نویسان این نسخه ذکر گردید و یادآوری این نکته که شاه اسماعیل دوم و میرزا مخدوم شریفی این نسخه را در اختیار داشته‌اند، تغییر یافتن یا پاک‌شدن چنین عباراتی دور از انتظار نیست. والتر هینتس درباره مذهب شاه اسماعیل دوم می‌گوید:

تردیدی در این اظهار نظر نیست که اسماعیل، از همان ابتدای امر، یعنی اندکی پس از جلوس بر تخت سلطنت، علناً به مذهب اهل سنت گرویده بوده است ... از آن گذشته، می‌توان دانست که اسماعیل فقط از نظر شخص خود به تغییر مذهب تن در نداد، بلکه حتی می‌خواست مذهب تسنن بین قزلباش رواج پیدا کند. به محض این‌که احساس کرد چه مخاطراتی از رهگذر تحقق نیاتش متوجه او و، در نتیجه، دولت خواهد شد، موقتاً از قصد خود دست کشید و کوتاه آمد (۱۳۷۱: ۱۲۶-۱۲۷).

او همچنین می‌گوید: شاه رسم تبراجستن از ابوبکر، عمر، و عثمان را در شوارع و میدان‌های شهر ممنوع کرد و مبالغ زیادی از وجوه بیت‌المال را بین مسلمانانی که در طول زندگی خود عشره مبشره را لعن نکرده بودند تقسیم کرد و میرزا مخدوم شریفی مأمور کشف این افراد شد (همان: ۱۱۸). و در *فارستامه ناصری* آمده است:

... فرمان صادر گردید که بعد از این هر کس لعن بر معاویه و دوستان او کند سرش را از تن جدا کنند و بر این موجب فرامین به نواحی ممالک محروسه فرستادند (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۴۱۶).

۶.۲ رسم الخط نسخه

- کلماتی که حروف مشدّد دارند معمولاً بدون تشدید نوشته شده‌اند.

- برخی از کلمات بدون تنوین آمده است، مانند **احیاناً و اصلاً**.

- غالباً حرف «ک» به جای حرف «گ» و حرف «ب» به جای حرف «پ» دیده می‌شود.

- در بسیاری موارد نقطه‌های کلمات کامل نوشته نشده است.

- کلماتی مانند «اسماعیل» و «اسحاق» با املائی عربی به صورت «اسمعیل» و «اسحق» نوشته شده و در برخی موارد بر روی آن نشانه «مد» گذاشته شده است: اسمعیل، عبدالرحمن.

- کلماتی که در پایان الف مقصوره دارند به صورت ذیل نوشته شده‌اند و در مواردی بر روی آن‌ها نشانه «مد» گذاشته شده است، مانند مرتضی، کبری، هدی، موسی، موسی، یحیی، یحیی.

- کلماتی که در پایان به «الف» ختم می‌شوند هنگام اضافه شدن به کلمه دیگر به دو صورت در متن آمده‌اند: در برخی موارد «ء» (ی دم‌بریده) در پایان کلمه آمده و در برخی موارد «ی» بین دو کلمه قرار گرفته است، مانند بناء بغداد، استدعاء من، رویاء محمود، استیلاء کیفیت، اثنای راه، اجزای اعضای ناپاکش.

- کلماتی که به «ی» ختم می‌شوند در حالت اضافه کسره آن‌ها با علامت «ء» بر روی حرف «ی» نشان داده می‌شود، مانند حوالی حصار، وادی حیرت، اسامی پیغمبران، خوبی ساز.

- گاه در پایان کلمه زیر حرف «ی» دو نقطه گذاشته شده است، مانند حوالی، مرضی.
- «های» غیرملفوظ آخر کلمه در هنگام جمع بستن با نشانه جمع - «ها» - حذف شده است، مانند ذخیره‌های، جام‌های.

- کلماتی مانند «مأل» و «مآثر» به صورت مال (بدون مد) و مأل و مآثر نوشته شده است.
- «ب» و «ذ» ابتدای فعل گاهی جدا و گاهی پیوسته نوشته شده است، مانند نه‌بست، نه‌ایستاده، نه‌پرورده، نه‌بستند، نیافتند.
به‌بین، به‌ایستادم، بیفشرد.

- حرف «به» با کلمه بعد پیوسته نوشته شده است، مانند بسر بردم، روزبروز، سر‌بمهر، بتقدیم رسانید، بهمه، بدر آورد، بغایت، بصورت، بخاک، بخنده افتاد.

- در این نسخه صفات و اسامی مرکب متعددی به صورت منفصل نوشته شده‌اند، مانند صاحب‌دل، دل‌شکسته، مه‌رویان، دست‌پاچه، علف‌خوار، جهان‌دیده، فرمان‌ده، دست‌آویز، جهان‌گیر، دست‌برد، خوش‌بو، طشت‌دار.

- «برخاستن» (در معنی «بلندشدن») در غالب موارد به صورت برخواستن نوشته شده و در موارد بسیار نادر شکل درست آن آمده است. این ویژگی در دیگر نسخ این اثر نیز دیده می‌شود.

۷.۲ ویژگی‌های سبکی

سیروس شمیسا دربارهٔ نثر دورهٔ صفوی می‌گوید:

از دورهٔ صفویه کتاب‌های فراوانی به صورت خطی در کتابخانه‌ها باقی مانده است که در ایران و عثمانی و هند و ماوراءالنهر نگاشته شده‌اند. نثر این کتاب‌ها بر سه نوع است: ۱. نثر ساده؛ ۲. نثر مصنوع؛ ۳. نثر بین‌بین. علاوه بر این، گاهی در یک کتاب ... این سه نوع نثر با هم دیده می‌شود (۱۳۸۴: ۲۱۵).

نثر تاریخ نگارستان را می‌توان بین بین دانست؛ البته دیباچهٔ آن، چنان‌که معمول بوده، نثری است آهنگین و تا حدی مصنوع. از ویژگی‌های سبکی این اثر می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱.۷.۲ آمیخته‌بودن نثر با شعر

در این اثر ابیات و تک‌مصراع‌های فراوانی دیده می‌شود؛ این ابیات غالباً فارسی است و به‌ندرت عربی. برخی از این ابیات - که غالباً ماده تاریخ‌اند - در آثاری که نویسنده از آن‌ها بهره برده است نیز به چشم می‌خورد، اما اکثر ابیات متن‌گزینش مؤلف است و در آثار مشابه، مانند *ظفرنامه* ی یزدی، *روضه‌الصفاء*، و *مطلع‌السعدین*، دیده نمی‌شود. ابیات و مصراع‌ها در مواردی بدون هیچ رابطهٔ لفظی به نثر می‌پیوندند، مانند «سلطان از استماع این حکایت مشتمل بر نکایت (ع) چون شمع تافته و درگرفته و گریان بغایت متأثر گردید» (غفاری، بی تا: ۸۴) و در بخش‌هایی با آوردن کلماتی انتقال از نثر به شعر نمودارتر می‌شود. ارتباط معنوی میان شعر و نثر در این اثر به شیوه‌های متمیم و تکمیل، تمثیل، تنظیر و تطبیق، و توضیح و تأیید دیده می‌شود.

۲.۷.۲ کاربرد آیات، احادیث، و امثال عربی

پیوستن آیات و احادیث به عبارات فارسی به صورت‌هایی دیده می‌شود: بدون فاصله و کلمهٔ متمایزکننده، با آوردن حرف «که»، ترکیب اضافی، و نقل قول. اما، مواردی که به صورت ترکیب اضافی و نقل قول آمده بیش‌تر است. علاوه بر آیات و احادیث، از ضرب‌المثل‌های عربی نیز در متن استفاده شده است، مانند «القاص لا یحب القاص» (همان: ۱۸۴)، «الجنس الی الجنس یمیل» (همان: ۱۸۹)، «رحمة الله علی نبّاش الاول» (همان: ۲۰۷).

۳.۷.۲ جملات طولانی

در این اثر، به دلیل کاربرد فراوان آیات و اشعار و جملات معترضه و وجه وصفی و آرایه‌پردازی و کاربرد کلمات مترادف، با جملات طولانی مواجه می‌شویم، مانند:

«گویند که از پدر انگشتی یاقوتی که مادر دوران گوهری چنان در صمیم کان نپرورده بود،

بوستان: که بودش نگینی بر انگشتی فرومانده در قیمتش مشتری

میراث به هارون رسیده در انگشت داشت» (همان: ۲۷).

۴.۷.۲ کاربرد فراوان لغات مغولی و ترکی

در این متن لغات مغولی و ترکی فراوانی دیده می‌شود، مانند قیتول، اروق، ایاق، نویین، الوس، طوی، الکا، یاسا، یوسون، تنگری، قمیز، ایلغار، یورت، قورلتای، تقوز، آل تمغا، جلاو، یرلیغ.

۵.۷.۲ ویژگی‌های دستوری و نحوی

الف) کاربرد فراوان وجه وصفی: در تاریخ نگارستان وجه وصفی هم به شکل صحیح و هم به شیوه نادرست بسیار به کار رفته است، مانند «پیاده مرا شناخته سوار را خبر کرد» (همان: ۳۷)، «ناگاه دیدم عجوزی بر در سرای نشسته استغائه بدو بردم» (همان).

ب) استعمال فراوان وجه مصدری و مصدر مرخم، مانند «از فلان جا تا فلان برج به سنگ و منجنیق رخنه می‌توان کردن» (همان: ۹۲)، «از برهنگی در برابر مردم نمی‌تواند آمد» (همان: ۳۷).

ج) مقدم‌داشتن فعل بر متمم فعل، مانند «امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب ... و اولین امام است از ائمه اثنی عشر» (همان: ۱۰)، «مضمونش دال بود بر نقل و ارتحال و حاکی بود از طوارق حدثان و استیصال» (همان: ۳۹).

د) استعمال «نه» در نقش قید نفی، مانند «حالا وقت نه مقتضی امثال این حکایت‌هاست» (همان: ۳۰)، «اگر نه چنین گویی، تو را عقوبت واجب آید» (همان: ۲۹).

ه) استعمال «ی» استمرار، «ی» شرح خواب، و «ی» شرط. هرچند در تاریخ نگارستان انواع «ی» ذکر شده، در همه موارد دیده نمی‌شود، اما موارد استعمال آن در متن کم نیست، مانند «ی» استمراری: «به دست هر کس آنچه افتادی رجوع به وکیل حسن کرده آن را بازیافت کردی» (همان: ۴۵)؛

«ی» شرح خواب: «شبی در خواب دید که آفتاب از خانه اتابک علاءالدوله برآمده به گریبان او رفتی و او بر پای خاسته آفتاب قریب پنجاه قطعه گشته از دامنش فروریختی» (همان: ۲۲۶)؛

«ی» شرط: «اگر خصم صد هزار بودندی، بیش از هزار جوان به جنگ نبردی» (همان: ۱۸).

و) استعمال افعال پیشوندی، مانند «پس موسی ندا درداد» (همان: ۱۷)، «کلاغی در برابر پادشاه بانگی چند کرده برپرید» (همان: ۱۹۶)، «علی الفور شعله حیاتش فرونشست» (همان: ۲۲).

ز) کاربرد فراوان جمع مکسر: در این اثر، علاوه بر آن که جمع مکسر عربی بسیار به کار رفته، از کلمات غیرعربی نیز جمع مکسر ساخته شده است، مانند کنوز (همان: ۶۶)، عقارب (همان: ۶۳)، فرادیس (همان: ۷۴)، آبار (همان: ۱۰۶)، ازانب (همان: ۱۰۶)، فروش (همان: ۲۸)، رخوت (همان: ۳۹)، اکراد (همان: ۹۵)، الوار (همان)، تراکمه (همان: ۱۳۴)، رنود (همان: ۱۴۶).

ح) صفت و موصوف جمع (به تقلید از عربی)، مانند عرایس ابکار (همان: ۳)، جواهر زواهر (همان: ۸۹)، کفره فجره (همان: ۱۴۰).

ط) صفت و موصوف مؤنث (به تقلید از عربی)، مانند امتعه نفیسه (همان: ۶۲)، شیوه مرضیه (همان: ۷۴)، کنیز مغنیه (همان: ۷۹)، وعده کریمه (همان: ۷۴)، اقمشه فاخره (همان: ۹۳)، خیرات منیعه (همان: ۱۰۳).

ی) جمع بستن کلمات عربی و غیرعربی با «ات»، مانند طلسمات (همان: ۵۵)، مکتوبات (همان: ۸۰)، محقرات (همان)، نیرنجات (همان: ۵۵)، باغات (همان: ۷۲)، بلوکات (همان: ۷۲)، بیلاکات (همان: ۸۰).

ک) استعمال کلمه پرسشی «آیا» به صورت زائد، مانند «آیا به کدام امید دست بر خوان تو نهم؟» (همان: ۳۹)، «آیا حکمت چیست که من به ناحق کشته شوم؟» (همان: ۹۱)، «متحیر بودم که آیا چه سازد؟» (همان: ۹۵).

ل) استعمال فراوان صفات ترکیبی. صفات ترکیبی زیادی در این متن دیده می شود که غالباً در آن ها آرایه ازدواج نیز رعایت شده است، مانند خواب غرایب مآب (همان: ۵۱)، رایت هدایت آیت (همان: ۲۸)، خاطر بدایع ناظر (همان: ۹۵)، تاش پسندیده معاش (همان: ۱۰۲)، خال منقلب الاحوال (همان: ۲۲۸).

۸.۲ آرایه‌ها و زیبایی‌های ادبی

در تاریخ نگارستان از آرایه‌های لفظی و معنوی برای آراستن کلام استفاده شده است؛ آرایه‌هایی چون انواع جناس، سجع، ازدواج، موازنه، مراعات نظیر، تضاد، ایهام، استخدام، تنسیق الصفات، تلمیح، واج‌آرایی. در این میان، برخی آرایه‌ها مانند جناس و ازدواج بسامد بیش‌تر و آرایه‌هایی چون ایهام و استخدام بسامد کم‌تری دارند. در ذیل به نمونه‌هایی از آرایه‌های به‌کاررفته در این اثر اشاره می‌شود:

(الف) جناس خط: «او را بی کلفت جنگ به چنگ آورده ...» (همان: ۱۲۵)؛

جناس ناقص: «فارس میدان فارس شد» (همان: ۲۲۳)؛

جناس قلب و اشتقاق: «آخر ارباب اغراض که قباى بقاشان به مقراض انقراض بریده

باد...» (همان: ۱۲۸).

(ب) ازدواج: «گفت ... نخواستم که خال عار فرار بر رخسار روزگار این خاکسار ماند؛ بالضروره تن به مرگ داده پای جسارت در میدان خسارت نهادم. سلطان را آن یال و کوپال خوش افتاده به استشفاع بعضی از مخصوصان به اطلاقش اشارت فرمود» (همان: ۱۴۷).

(ج) مراعات نظیر: «مهرة امیدش در ششدر غم است و کعبتین مرادش در طاس ماتم» (همان: ۸۶).

(د) ایهام تناسب: «القصة آن شاه شجاعت‌پناه از اسب پیاده شده، رخ بر او نهاده و دست در خرطومش زد و فیل به زانو درآمده به یک ضربت شمشیر سرش را از بدن جدا ساخت و بساط آن ولایت را از فرزین‌بندی، که در راه خلایق ساخته بود، برداخت» (همان: ۹۴).

(ه) ایهام تضاد: من از زیر پرده رویش مشاهده کرده در سلک امواتش دیدم (همان: ۲۷).
(و) واج‌آرایی: در عبارات تاریخ نگارستان نمونه‌های بسیاری دارد و غالباً نتیجه آرایه‌های ازدواج و جناس و همسانی حروف این آرایه‌ها با سایر کلمات است، مانند:

حرف «س»: «یک سال پیش از اندراس اساس دولت عباس ...» (همان: ۶۶)؛

حروف «م» و «ن»: «امین را درمانی بغیر از امان نماند» (همان: ۳۸)؛

حرف «ز»: «و از همه نازک‌تر آن‌که به صد اعزاز و ناز باز آن شخص را روانه طراز

نمودند» (همان: ۸۱).

در تاریخ نگارستان از زیبایی‌های بیانی مانند تشبیه، استعاره، مجاز، و کنایه نیز کمابیش

استفاده شده است که در این میان تشبیه موارد بیش‌تری دارد. در ذیل به مواردی از زیبایی‌های بیانی اثر اشاره می‌شود:

تشبیه: «اگر ما مرغ‌های دل‌های آزادگان را به دانه انعام و احسان به دام امتنان درنیاوریم به چه چیز دیگر صید توانیم کرد؟» (همان: ۱۸۰)، «از برید خیال و جاسوس باد شمال سرعت سیر استعاره نمود» (همان: ۱۹۴)؛

استعاره: عقده‌ای که در کار شما افتاده به سرانگشت جلادت می‌گشایم (همان: ۱۵۸)؛
استعاره تهکمیه: «القصة، آن ستیره صالحه عفت‌فرجام را از حمام خرابی که در آن جا مختفی گشته بود بیرون آورده به عذاب الیم متوجه جحیم گردانیدند» (همان: ۲۱۹)؛

مجاز: «هر روز قرب صد هزار نفس از فقدان نان جان می‌دادند» (همان: ۱۵۳)؛
کنایه (از رسواشدن): «خیاط تصور کرد که مگر بخیه او به روی کار افتاده» (همان: ۹۶)،
کنایه از صلح به نفاق: «به توسط ارباب صلاح میان ایشان گرگ‌آشتی شده» (همان: ۲۸۱).

۳. نتیجه‌گیری

نسخه ۵۸۳ کتابخانه کاخ گلستان هرچند فاقد تاریخ کتابت است، از آن‌جا که شاه‌اسماعیل دوم یکی از مالکان نسخه بوده است، از نسخ قدیم این اثر محسوب می‌شود و کتابت آن قطعاً پس از سال ۹۸۵ ق صورت نگرفته است. از دیگر مالکان این نسخه می‌توان میرزا مخدوم شریفی، ناصرالدین‌شاه، و محسن میرزا میرآخور را نام برد. در ترقیمه نسخه، نام و نشانی از کاتب دیده نمی‌شود، اما، با توجه به نوع نگارش، اشارات شیعی، تمایلات شیعی کاتب، و یا حداقل امانت‌داری او در کتابت روشن می‌شود؛ هرچند که برخی از این اشارات را خوانندگان نسخه پاک یا مخدوش کرده‌اند.

در حاشیه صفحات این نسخه مطالب زیادی دیده می‌شود. این حواشی به دو دسته تقسیم می‌شود: بخش عمده‌ای از آن‌ها، که با علامت «صح» مشخص شده، جزء متن اصلی است. سایر حواشی را خوانندگان نسخه نوشته‌اند و آن نیز به دو دسته تاریخی و مذهبی تقسیم می‌شود.

در نسخ مختلف تاریخ نگارستان تعداد حکایات و همچنین تعداد اشعاری که نام شاعر آن‌ها ذکر شده مختلف است. در این نسخه، ۴۰۲ حکایت دیده می‌شود و ۳۵۴ شعر با نام شاعر و ۱۹۵ شعر بدون ذکر نام شاعر آمده است.

شباهت این نسخه از جهت سیر مطالب، دیباچه، و ذکر منابع با نسخ مورخ ۹۹۳ ق، ۱۰۰۳ ق، و ۱۰۱۵ ق محفوظ در کتابخانه ملی ایران، و نسخه مورخ ۱۰۱۰ ق محفوظ در کتابخانه آیت‌الله مرعشی بیش از نسخه مورخ ۱۰۰۸ ق محفوظ در کتابخانه دانشگاه پرینستون و چاپ سنگی مورخ ۱۲۷۵ ق است.

نثر تاریخ نگارستان نثری بین بین است که در قسمت دیباچه تا حدی مصنوع می‌شود، استفاده فراوان از آیات و اشعار، جملات طولانی، کاربرد فراوان وجه و صفی، استعمال لغات ترکی و مغولی و صفات ترکیبی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی این اثر به‌شمار می‌رود. در این اثر، آرایه‌های متعدد لفظی و معنوی دیده می‌شود که در این میان شمار آرایه‌های لفظی، به‌ویژه جناس و ازدواج، بیش‌تر است. در میان زیبایی‌های بیانی تشبیه بیش از سایر موارد دیده می‌شود.

پی‌نوشت

۱. مرتضی مدرس گیلانی این ماده تاریخ را، که نشان‌دهنده سال ۹۵۹ ق است، نادرست دانسته، پس از ذکر احتمالاتی می‌گوید: «فعالاً دسترسی به کتاب‌های خطی تاریخ نگارستان ندارم تا از آن‌ها راجع بما نحن فیه از نکته‌ای یا دقیقه‌ای آگاه شوم» (غفاری، ۱۴۰۴ ق: ۱۸). مصحح هفت اقلیم، سید محمدرضا طاهری، ماده تاریخ را کاملاً درست می‌داند و می‌گوید که علت اشتباه مدرس گیلانی آن است که حروف «از آن آمد» را نیز جزء تاریخ محاسبه کرده است (رازی، ۱۳۷۸: ۱۳۳۸).
۲. در تذکره هفت اقلیم و تاریخ ادبیات صفا سال وفات احمد غفاری ۹۷۵ ق ذکر شده است (رازی، ۱۳۷۸: ۱۳۳۸؛ صفا، ۱۳۷۰: ۵/۱۶۱۲). همچنین، صفا محل وفات او را به صورت «دیبال» آورده است (صفا، ۱۳۷۰: ۵/۱۶۱۲).
۳. عبارت خوانا نیست.
۴. به صفحه ۲۶۳ نسخه ۵۸۳ کاخ گلستان اشاره دارد که در حاشیه آن میرزا مخدوم شریفی مطالبی را، که متضمن نگرش مذهبی اوست، نوشته و شاه‌اسماعیل دوم در حاشیه همان صفحه با عبارت «اشرف‌الزمان راست فرموده‌اند» نوشته میرزا مخدوم را تأیید کرده است.
۵. «سید صادق طباطبایی فرزند سید مهدی در سال ۱۲۲۷ هجری قمری در اصفهان زاده شد. وی در تهران از بزرگان و رؤسای دین و از اجلّه فقها و مجتهدین و متنفذین زمان خود بود ... در سال ۱۳۰۰ قمری درگذشت و در شهر ری به خاک سپرده شد» (بامداد، ۱۳۷۱: ۶/۱۲۱-۱۲۲).
۶. نسخه مورخ ۱۰۰۸ ق محفوظ در کتابخانه دانشگاه پرینستون به طور کامل در دست نبوده است،

اما بررسی بخش‌های موجود و ترتیب مطالب و حکایت‌های آن شباهت آن را با چاپ سنگی مذکور و تفاوت آن را با سایر نسخ بررسی شده نشان می‌دهد.

منابع

- بامداد، مهدی (۱۳۷۱). شرح حال رجال ایران، تهران: زوار.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۷۸). فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.
- رازی، امین‌احمد (۱۳۷۸). تذکره هفت اقلیم، تصحیح محمدرضا طاهری، تهران: سروش.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۴). سبک‌شناسی نثر، تهران: نشر میترا.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۰). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، بخش ۳، تهران: فردوس.
- غفاری، احمد بن محمد (۹۹۳ ق.). تاریخ نگارستان، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، شماره ۱۷۵۲۱-۵.
- غفاری، احمد بن محمد (۱۰۰۳ ق.). تاریخ نگارستان، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، شماره ۳۰۷۶/ف.
- غفاری، احمد بن محمد (۱۰۰۸ ق.). تاریخ نگارستان، نسخه خطی، کتابخانه دانشگاه پرینستون امریکا، شماره MSS152
- غفاری، احمد بن محمد (۱۰۱۰ ق.). تاریخ نگارستان، نسخه خطی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی، شماره ۸۵۲۹.
- غفاری، احمد بن محمد (۱۰۱۵ ق.). تاریخ نگارستان، نسخه خطی، کتابخانه ملی ایران، شماره ۲۵۵۲/ف.
- غفاری، احمد بن محمد (بی‌تا). تاریخ نگارستان، نسخه خطی، کتابخانه کاخ گلستان، شماره ۵۸۳.
- غفاری، احمد بن محمد (۱۲۷۵ ق.). تاریخ نگارستان، چاپ سنگی، کلکته.
- غفاری، احمد بن محمد (۱۴۰۴ ق.). تاریخ نگارستان، تصحیح مرتضی مدرس گیلانی، تهران: کتاب‌فروشی حافظ.
- قزوینی، محمد (۱۳۳۲). «شرح احوال میرزا مخدوم شریفی»، فرهنگ ایران‌زمین، ش ۱.
- هیتس، والتر (۱۳۷۱). شاه‌اسماعیل دوم صفوی، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران: علمی و فرهنگی.